تحلیل رابطه تورم و کسری بودجه دولت در اقتصاد ایران: رویکرد همدوسی موجکی

عباس شاکری[1] - الناز باقرپور اسکویی[2]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲

توسعه علوم انسانی
دوفصلنامه
پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دوره چهارم،شماره هشتم

چکیده

در اقتصاد ایران همراهی روند استمرار تورم و کسری بودجه دولت دیده می‌شود، اما تحلیل ارتباط این دو مقوله جای بحث و بررسی دارد. در مطالعه حاضر رابطه میان کسری بودجه و تورم در ایران طی سال‌های ۱۳۷۰:۱ الی ۱۴۰۰:۱۲ با استفاده از رویکرد تبدیل موجک پیوسته مورد بررسی قرار گرفت. ما این رابطه را در مورد خالص بدهی دولت به بانک مرکزی، بدهی دولت به بانک مرکزی و تورم نیز تحلیل کرده‌ایم. یافته‌های ما حاکی از تأثیر مثبت و معنادار تورم بر کسری بودجه است. همچنین تأثیر مثبت و معنادار تورم بر خالص بدهی دولت و بدهی دولت به بانک مرکزی را در بلندمدت یافته‌ایم. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که تورم‌های بالا در شرایط بی‌ثبات موجب افزایش کسر بودجه دولت می‌شود. چون دولت خود بزرگترین مصرف کننده است و از مجرای اثر الیورا-تانزی هزینه‌های دولت فوراً با تورم افزایش می‌یابد اما درآمدهای دولت با تأخیر نسبت به تورم تعدیل می‌شود. بنابراین تورم از طریق هزینه‌های دولت بر کسری بودجه و بدهی دولت به بانک مرکزی فشار آورده و آن را افزایش می‌دهد.

واژه‌های اصلی: تورم، کسری بودجه، بدهی دولت به بانک مرکزی، اثر تانزی، اقتصاد ایران

۱- عضو پیوسته فرهنگستان علوم، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طبابایی
۲- دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی- نویسنده مسئول

۱- مقدمه

پدیده تورم‌های بالا و مزمن یکی از بزرگترین معضلاتی است که آسیب‌هایی را به ساختارهای عمومی و اقتصاد وارد می‌کند. بروز تورم همان‌گونه که تخصیص منابع و توزیع درآمد در جامعه را بر هم می‌زند به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر ساختار مالی دولت نیز تأثیر می‌گذارد. دولت در اثر تورم تحت تأثیر درآمدها و هزینه‌های خود قرار می‌گیرد. در بیشتر کشورهای در حال توسعه بروز تورم سبب افزایش هزینه‌های دولت و کاهش درآمدهای آن می‌شود و کسری بودجه را افزایش می‌دهد. اما اثر تورم بر کسری بودجه به‌طور قطعی مشخص نیست و با توجه به ساختار اقتصادی هر کشور ممکن است اثر مثبت، منفی و یا خنثی داشته باشد. بنابراین هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی ارتباط میان کسری بودجه و تورم اقتصاد ایران با استفاده از تحلیل موجک پیوسته طی سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۴۰۰ می‌باشد. نتیجه این بررسی ما را به سه نتیجه مشخص می‌رساند. اینکه بدانیم: ۱) آیا بین این متغیرهای هدف رابطه علیت وجود دارد یا خیر ۲) آیا این علیت یک علیت بلندمدت است یا کوتاه مدت ۳) اگر تورم باعث کسر بودجه یا بر عکس شود نوع علیت مشخص گردد. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاران به‌منظور کنترل فشارهای تورمی و همچنین بدهی دارند. در بخش اول مطالعه حاضر با مرور ادبیات شروع خواهیم کرد. در بخش دوم مروری بر واقعیات تجربی اقتصادی ایران در خصوص موضوع مورد مطالعه خواهیم داشت و در ادامه به‌منظور آزمون تجربی و دریافت نتایج به معرفی مدل تحقیق و متغیرهای استفاده شده در مدل پرداخته می‌شود و پس از آن نتایج برآوردها ارائه و به تحلیل آنها می‌پردازیم و در پایان نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی را ارائه می‌دهیم.

۲- مروری بر ادبیات نظری و تجربی تحقیق

۲-۱- ادبیات نظری ارتباط میان کسر بودجه و تورم

مشهورترین ادبیات نظری در خصوص ارتباط میان کسر بودجه و تورم اثرات اولیورا- تانزی[1] و پاتینکن[2] هستند که در سطوح پایین‌تر تورم نیز قابل بحث هستند.

۲-۱-۱- اثر اولیورا - تانزی

در ادبیات اقتصادی موجود در زمینه نقش و اثر تورم بر درآمدهای مالیاتی، تانزی برای اولین بار مطرح کرد که تورم باعث کاهش ارزش حقیقی درآمدهای مالیاتی می‌شود. تأثیر تورم بر درآمدهای مالیاتی و به تبع آن کسری بودجه به اثر تانزی مشهور است (تانزی، ۱۹۷۷). وی معتقد است مخارج اسمی دولت تقریباً به صورت آنی و به همان نسبت قیمت‌ها افزایش می‌یابد، این امر همراه با کاهش درآمدهای واقعی دولت باعث افزایش مداوم کسری مالی می‌شود. بنابراین دولت با افزایش قیمت و با افزایش مخارج اسمی غیر از کسری اولیه، با مقدار معینی کسری ناخواسته مواجه می‌شود که بستگی به نرخ تورم دارد. در صورت

1- Olivera-Tanzi
2- Patinkin,D.

فشار تورمی شدید و تأخیر اجتناب‌ناپذیر و طولانی در جمع‌آوری مالیات‌ها درآمدهای مالیاتی واقعی را از بین می‌برد و باعث افزایش کسری مالی می‌شود (آنوشیچ و شوالیک[1]، ۱۹۹۶).

۲-۱-۲- اثر پاتینکن

از سوی دیگر در ادبیات اقتصادی، تورم می‌تواند بر مخارج حقیقی نیز اثر بگذارد. برکسن تورونی[2] از نخستین اقتصاددانانی بود که رابطه بین نرخ تورم و کسری بودجه را مورد مطالعه قرار داد و نشان داد زمانی که تورم شتابان است رابطهٔ کسری بودجه و تورم می‌تواند منفی باشد. پاتینکین تصور کرد که ممکن است رابطه بین تورم و کسری بودجه منفی باشد و نظریهٔ تورونی را مورد تأیید قرار داد. پاتینکین نشان داد که تورم بالا منجر به کاهش هزینه‌های واقعی دولت می‌شود. مخارج دولت معمولاً به صورت اسمی برنامه‌ریزی می‌شود، بنابراین تورم بالا یا تورم بالای پیش‌بینی نشده ارزش واقعی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد (پاتینکین ۱۹۹۳، کاردوسو ۱۹۹۸). عوامل مختلفی این پدیده را توضیح می‌دهند که در ذیل به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

- حقوق و دستمزد به عنوان جزء مهمی از مخارج دولت، در زمان تورم در مراحل نخستین اغلب همگام با افزایش قیمت‌ها تعدیل نمی‌شود. در مراحل بعدی به طور نامنظم تعدیل می‌شود، در نتیجه متوسط حقوق و دستمزد واقعی بخش دولتی در طول دوره‌های تورم کاهش می‌یابد.
- در شرایط تورمی پرداخت‌های اسمی بهره بر بدهی‌های داخلی دولت کمتر از نرخ تورم است. در نتیجه بهره واقعی پرداختی دولت منفی می‌شود.
- اگرچه دولت‌ها سعی دارند شکاف بین مالیات‌های جمع‌آوری شده و شاخص تأخیری تورم را درخصوص پرداخت‌های مالیاتی کاهش دهند، اما برنامه مخارج با تورم پیش‌بینی شده صورت می‌گیرد که کمتر از تورم تحقق‌یافته است. بنابراین مخارج حقیقی کمتر از مخارج برنامه‌ریزی شده خواهد بود. زمانی که تورم از بین می‌رود، مخارج حقیقی به مخارج برنامه‌ریزی شده نزدیک می‌شود.

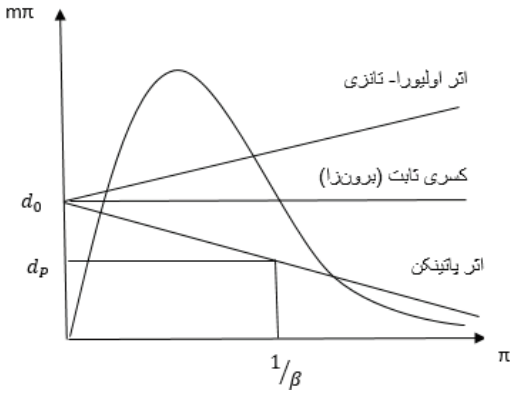

شکل ۱. منحنی مالیات تورمی لافر

1- Anušić, Z., & Švaljek
2- Toroni,B.

از تحلیل فوق می‌توان نتیجه گرفت که اگر احتمال وقوع اثر اولیورا تانزی وجود داشته باشد، حداقل دو استدلال به نفع تورم پایین و نه بالا وجود دارد. تورم بالا از یک طرف می‌تواند منجر به کاهش زیادی در درآمدهای مالیاتی واقعی شود. از سوی دیگر، تورم بالا باعث افزایش تفاوت بین درآمدهای واقعی دولت و مخارج واقعی دولت می‌شود و می‌تواند باعث ایجاد رابطه متقابل خود مولد و تشدیدکننده کسری مالی و تورم شود و در نتیجه حوزه پولی و مالی اقتصاد کلان را بی‌ثبات کند. این اثر باعث بی‌ثباتی مالیه عمومی می‌شود (چادهاری و همکاران[1]، ۱۹۹۵). اما اثر پاتینکن تثبیت‌کننده عدم تعادل مالی خواهد بود و انگیزه سیاست‌گذاران برای مبارزه با تورم را نیز تضعیف می‌کند.

بدیهی است که کانال‌های زیادی وجود دارد که از طریق آنها تورم بر کسری بودجه واقعی تأثیر می‌گذارد. بیشترین استناد، «اثر اولیورا-تانزی» است. کاردوسو معتقد است که تورم شدید، فرایند ناپایدار دارد و این ناپایداری از طریق اثر تانزی تقویت می‌شود. دهه‌ها تورم بالا و برنامه‌های تثبیت ناموفق متعدد در برخی از کشورهای آمریکای لاتین این دیدگاه را تأیید می‌کند. با این حال، خود تورم ممکن است نتیجه کسری مالی ناپایدار باشد. به عبارت دیگر، وقتی امکانات محدودی برای گسترش پایه مالیاتی وجود دارد، زمانی که بازار سرمایه داخلی توسعه کافی ندارد و سطح ذخایر خارجی پایین است، خلق پول تنها راه ممکن برای تأمین مالی مازاد مخارج دولت بر درآمد دولت است. رابطه متقابل بین کسری مالی و تورم در چنین شرایطی می‌تواند وجود داشته باشد. بدیهی است که پیوند همزمان بین تورم و کسری مالی باعث تداوم آن دو پدیده می‌شود که به موجب آن هر گام بعدی این تداخل به معنای نرخ بالاتر تورم و کسری است (آنوشیچ و شوالیک، ۱۹۹۶).

۲-۲- مروری بر مطالعات انجام شده

رابطه بین تورم و نتایج مالی یک موضوع تجربی است و به نوع آزمون و ساختار اقتصادی هر کشور مربوط است. با توجه به تعدد مطالعات انجام شده ضمن رعایت اختصار، کلیات مربوط به مهم‌ترین مطالعات داخلی و خارجی انجام شده به تفکیک رابطه بین این دو متغیر در قالب جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- مروری بر مطالعات انجام شده

نویسندگان	موضوع، روش آزمون و دوره زمانی مورد بررسی	نتایج
بلیک[2] (۲۰۱۴)	بررسی ارتباط میان سیاست مالی و تورم در جامائیکا- ARDL و آزمون علیت گرنجر. ۱۹۹۳-۲۰۱۳.	نتایج نشان می‌دهد که کسری مالی بر تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری دارد.
دواپریا و ایچی هاشی[3] (۲۰۱۲)	چگونه کسری بودجه بر تورم در سریلانکا اثر می‌گذارد؟ الگوی خودبازگشت برداری، ۱۹۵۰-۲۰۱۰.	کسری بودجه و تورم رابطه‌ای دوطرفه و مثبت دارند و تحلیل‌ها نشان می‌دهد رشد عرضه پول، نرخ بهره و نرخ ارز عامل اصلی تعیین‌کننده تورم در کشور است.

1- Chaudhary, M., et al.
2- Blake, T.
3- Devapriya, T. N., & Ichihashi, M.

ادامه جدول ۱

نویسندگان	موضوع، روش آزمون و دوره زمانی مورد بررسی	نتایج
اولادیپوو اکینبوبولا[1] (۲۰۱۱)	کسری بودجه و تورم در نیجریه، آزمون علیت گرنجر و همجمعی یوهانسن، ۱۹۷۰-۲۰۰۵.	کسری بودجه به‌طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق نوسانات نرخ ارز بر تورم اثرگذار است.
روسا[2] (۲۰۱۱)	کسری بودجه و تورم در پرتغال، روش همجمعی یوهانسن، ۱۹۵۴ الی ۱۹۹۵.	رابطه غیرمستقیم مثبتی بین تورم و کسری بودجه وجود دارد
چاد هاری و همکاران (۱۹۹۵)	عرضهٔ پول، کسری بودجه و تورم در پاکستان، تحلیل رگرسیون، دههٔ ۱۹۷۰.	رابطهٔ مثبت میان کسری بودجه و تورم طی دوره مورد مطالعه تأیید می‌شود.
آق اولی و خان[3] (۱۹۷۸)	کسری بودجه دولت و روند تورم در کشورهای در حال توسعه (برزیل، کلمبیا، جمهوری دومینیکن و تایلند)، آزمون علیت گرنجر، ۱۹۶۱-۷۴.	به این نتیجه رسیده‌اند که در شرایط تورمی مخارج دولت خیلی سریع‌تر نسبت به درآمدهای دولت افزایش می‌یابد. در نتیجه تورم این کشورها کسری بودجه دولت را افزایش می‌دهد.
میرحسینی و همکاران[4] (۱۴۰۰)	بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی برکسری بودجه دولت در اقتصاد ایران، آزمون خود رگرسیون برداری ۱۳۸۰ - ۱۳۹۷.	متغیر نرخ رشد اقتصادی با کسری بودجه رابطه معکوس و متغیرهای نرخ تورم و عرضه پول تأثیر مستقیمی بر کسری بودجه دولت داشته است.
عزیزی (۱۳۸۵)	کسری بودجه و تورم در ایران- آزمون خود رگرسیون برداری، ۱۳۵۴-۱۳۸۳.	نتایج حاکی از آن است که رابطه میان تورم و کسری بودجه از لحاظ آماری معنادار نیست.
فرزین وش و همکاران (۱۳۸۲)	بررسی اثرات تورم بر کسری بودجه از بعد هزینه‌ای و درآمدی در ایران، آزمون هم‌جمعی یوهانسن ۱۳۶۰- ۱۳۷۹.	نتایج حاکی از آن است که در بلندمدت با افزایش تورم، کسری بودجه از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی افزایش می‌یابد.
جعفری صمیمی (۱۳۷۹)	بررسی رابطه تورم و کسری بودجه در ایران، روش حداقل مربعات، ۱۳۵۸-۱۳۷۰	ارتباط دوطرفه بین کسری بودجه و تورم در اقتصاد ایران طی دوره مورد مطالعه وجود دارد.

همان‌طور که ملاحظه گردید علی‌رغم میزان شواهد موجود در خصوص رابطه بین کسری بودجه دولت و تورم تعداد زیادی از نویسندگان از مدل‌های آزمون علیت یا الگوی تصحیح خطای برداری (VECM) در ملاحظات خود استفاده می‌کنند. در حالی که، درک رابطه بین متغیرهای مذکور در طول زمان و فرکانس‌های مختلف با استفاده از چنین مدل‌هایی دشوار است و ممکن است در طول فرکانس تغییر کند (بروزدا[5]،۲۱۰۷). مطالعه حاضر با معرفی یک رهیافت جدید از تبدیل موجک پیوسته برای تحلیل رابطه میان کسری بودجه دولت و تورم سعی نموده نقص روش‌های سنتی اقتصادسنجی را مرتفع ساخته و بینش جدیدی در خصوص تحلیل رابطه میان تورم و کسری بودجه دولت ایجاد کند، آنچه این روش را از روش‌های مرسوم متمایز می‌کند عبارت‌اند از: ۱) اکثر مطالعات تحلیل رابطه علی میان کسری بودجه دولت و تورم را تنها در یک جهت بررسی می‌کنند یا این واقعیت را درنظر نمی‌گیرند که رابطه میان دو متغیر طی زمان و برای یک افق زمانی مشخص تغییر می‌کند. ۲) علاوه بر

1- Oladipo, S. O., & Akinbobola, T. O.
2- Rosa, A. S.
3- Aghevli, B. B., & Khan, M. S.
4- Mir Hosseini,S.V., et al.
5- Bruzda

این، کاربرد تبدیل موجک نسبت به آزمون علیت گرنجری دارای مزیت است، زیرا دومی فرض می‌کند که یک رابطه علی واحد برای کل دوره زمانی مورد بررسی و در هر فرکانس وجود دارد (گرینستد، مور، جوریجایوا[1]، ۲۰۰۴). این بدان معنی است که ادبیات فعلی بسیاری از مزایای استفاده از رویکرد تبدیل موجک پیوسته را برای تحلیل حرکات مشترک و الگوی تأخیر در زمان و فرکانس را از دست داده است. ۳) در رهیافت موجک برخلاف بیشتر روش‌های آماری و اقتصادسنجی، نه نیازی به مانایی متغیرها و نه نیاز به فرض رابطه خطی است[2]. ۴) در تقابل روش‌های سری زمانی، روش موجک و به‌خصوص همدوسی (هم حرکتی) موجکی[3] در چارچوب روش‌شناسی اقتصاد فیزیک (اکونوفیزیک) می‌تواند افق جدیدی در بررسی علیت این متغیرها داشته باشد؛ چراکه امکان بررسی تأثیرگذاری را به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت، به شکل پویا در فرکانس‌های مختلف نشان می‌دهد و به تبع آن برآورد و پیش‌بینی به‌مراتب دقیق‌تری فراهم می‌شود.

۳- برخی واقعیات تجربی در اقتصاد ایران

یکی از موضوعات مهم ارتباط میان کسری و تورم است. گفته می‌شود که اگر دولت با کسر بودجه‌های شدید مواجه شود و برای تأمین آن به استقراض از بانک مرکزی متوسل شود موجب افزایش پایه پولی و بنابراین با افزایش نقدینگی موجب تورم ناشی از جاذبه تقاضا می‌شود (demand pull inflation). فرض این است که تقاضای پول باثبات است، پول افزایش یافته به‌طور متناسب در دست همه مردم قرار می‌گیرد سرعت گردش پول ثابت است و اقتصاد در اشتغال کامل قرار دارد و پول‌های جدید موجب افزایش تقاضا شده و به‌خاطر ثابت بودن عرضه کل در سطح اشتغال کامل تماماً موجب مازاد تقاضا و افزایش قیمت‌ها می‌شود. اگر این فروض و شرایطی که ذکر شد در اقتصاد محقق و صادق باشد پولی کردن کسر بودجه موجب تورم خواهد شد اما اگر سرعت گردش پول ثابت نباشد تابع تقاضای پول باثبات و پول‌های جدیداً افزایش یافته به‌طور متناسب در دست آحاد مردم قرار نگیرد و قدرت خرید مردم به‌خاطر تداوم تورم‌های نامتناسب گذشته کاهش یافته باشد و اقتصاد هم در اشتغال کامل نباشد معلوم نیست کسر بودجه به تمامه در افزایش قیمت‌ها انعکاس بیابد.

در چارچوب تحلیل کلاسیکی گفته می‌شود که اگر کسر بودجه دولت پولی شود و از طریق بانک مرکزی تأمین مالی شود این موجب افزایش پایهٔ پولی و بنابراین نقدینگی شده و افزایش نقدینگی هم به افزایش تورم منجر می‌شود اما در شرایط کنونی اقتصاد ایران ۱) حدود ۸۰ درصد نقدینگی را سپرده‌ها تشکیل می‌دهند و ۷۴ درصد سپرده مربوط به یک درصد سپرده‌گذاران است و ۲) قدرت

1- Grinsted, A., et al

۲- به منابع ذیل مراجعه کنید: (Agui ar-conrari a. Martins,&Soares,2012), (Caraiani,2012), (Reboredo & Rivera-Cas-tro,2013)

3- Wavelet Coherence

خرید مردم به‌خاطر کاهش مستمر ارزش پول ملی و تأثیر آن بر تورم‌های نامتناسب ناشی از آن به‌طور مستمر در حال کاهش است سازوکار انتقال کلاسیکی و مبتنی بر دیدگاه پولی در مورد کسر بودجه و تورم در ایران قدری تغییر کرده و تضعیف می‌شود.

عده‌ای تورم‌های بالا و نامتناسب و کم سابقه ۶ سال گذشته در اقتصاد ایران را طوری تحلیل می‌کنند که گویی علت اصلی تورم در این سال‌ها عمدتاً مسئله کسر بودجه دولت است. کسر بودجه پدیدهٔ مطلوبی نیست و مخصوصاً وقتی ساختار بودجه را درنظر می‌گیریم. اما در اینجا چند نکته را باید یادآور شد:

اول اینکه نسبت کسر بودجه به GDP در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ نسبت به سال‌های مربوط به سه دهه قبل از آن به‌هیچ وجه افزایش نیافته، حتی کمتر هم بوده است.

نمودار ۱-نسبت تراز کلی بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی (درصد)- ۱۳۷۰ الی ۱۳۹۹

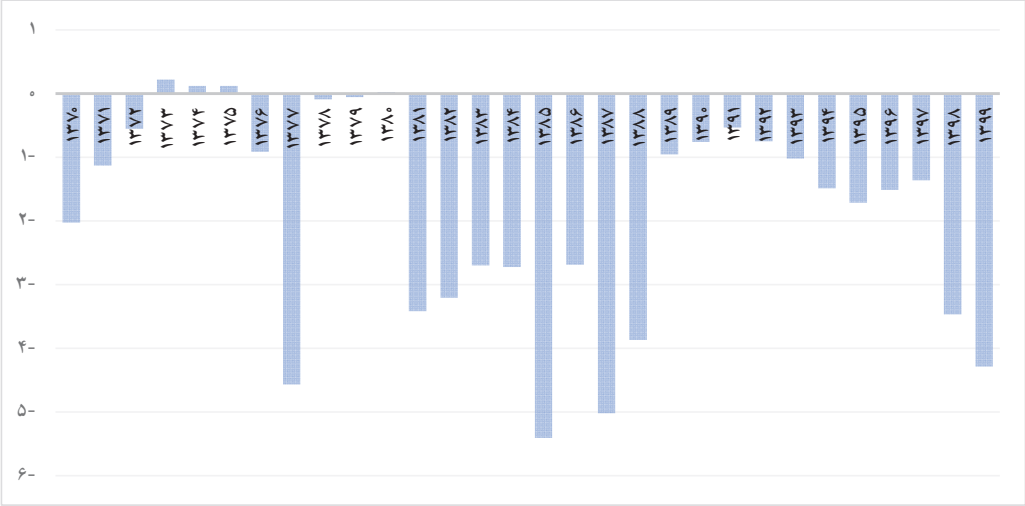

منبع: بانک مرکزی

ثانیاً همه کسر بودجه توسط بانک مرکزی تأمین مالی نشده است، نسبت بدهی دولت به بانک مرکزی به کسری بودجه دولت در سال‌های مذکور به‌خوبی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۷ به بعد نسبت به قبل افزایش چندانی نداشته است.

جدول ۱- بررسی ارتباط کسری بودجه و بدهی دولت به بانک مرکزی در ایران، سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰

سال	کسری بودجه دولت (میلیارد ریال)	بدهی دولت به بانک مرکزی (میلیارد ریال)	نسبت بدهی دولت به بانک مرکزی به کسری بودجه (درصد)
۱۳۹۰	۵۲۳۲۳/۸	۲۱۸۹۰۸/۷	۴۱۸/۳
۱۳۹۱	۴۵۵۴۶	۳۱۴۲۷۲/۱	۶۹۰
۱۳۹۲	۸۸۳۵۳/۵	۳۴۹۹۳۰/۱	۳۹۶

ادامه جدول ۲

سال	کسری بودجه دولت (میلیارد ریال)	بدهی دولت به بانک مرکزی (میلیارد ریال)	نسبت بدهی دولت به بانک مرکزی به کسری بودجه (درصد)
۱۳۹۳	۱۲۸۳۱۵/۲	۴۲۵۶۶۵	۳۳۱/۷
۱۳۹۴	۱۸۱۵۵۱/۳	۵۲۰۳۰۰	۲۸۶/۵
۱۳۹۵	۲۵۵۴۸۹/۵	۵۷۶۱۰۰	۲۲۵/۴
۱۳۹۶	۲۷۲۲۷۰	۵۲۸۰۰۰	۱۹۳/۹
۱۳۹۷	۳۵۴۶۱۸	۹۵۸۲۰۰	۲۷۰/۲
۱۳۹۸	۱۲۲۶۷۴۳/۶	۱۱۵۸۵۰۰	۹۴/۴
۱۳۹۹	۲۱۲۷۵۰۰	۱۴۹۳۳۰۰	۷۰/۱
۱۴۰۰	۲۱۳۴۸۰۰	۱۷۹۱۶۰۰	۸۳/۹

منبع: بانک مرکزی

از طرفی سهم خالص بدهی دولت به بانک مرکزی از رشد پایه پولی در سال‌های فوق‌الذکر از نسبت بدهی بانک‌ها و تغییرات در ذخایر ارزی بانک مرکزی بسیار کمتر بوده است.

نمودار ۲- سهم اجزای پایه پولی در رشد پایه پولی (درصد)

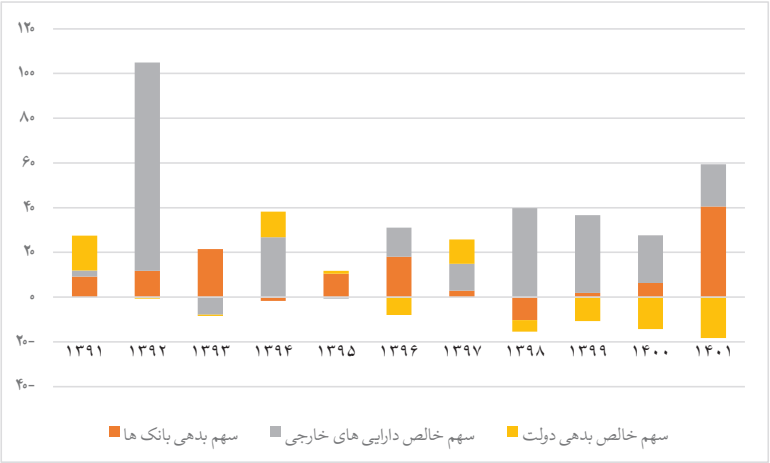

منبع: بانک مرکزی

حتی اگر رشد نقدینگی ناشی از پولی کردن کسر بودجه موجب تورم شود این پدیده‌ای است که سال‌های قبل از سال ۱۳۹۶ هم وجود داشته و موجب تورم‌های این‌گونه شده است و از طرفی هم سهم رشد بدهی دولت به بانک مرکزی از رشد نقدینگی چندان قابل ملاحظه نیست. در شرایط کنونی این پرش‌های نرخ ارز است که از طریق شعله‌ور کردن انتظارات تورمی و فشار هزینه‌های تولید و میدان دادن به انحصارات برای افزایش مارک‌آپ‌های دلخواه تورم را به شدت افزایش داده است و

تورم هم نقدینگی را به‌صورت منفعل و درون‌زا به دنبال خود کشانده است. لذا در این شرایط جریان علیت عمدتاً از ارز به تورم و از تورم به نقدینگی است[1]. تورم‌های بالا در شرایط بی‌ثبات خود موجب افزایش کسر بودجه دولت می‌شود چون دولت خود بزرگترین مصرف‌کننده است. از تورم بیش از سایر عوامل اقتصادی متأثر می‌شود. اثر الیورا-تانزی هم عامل افزایش کسر بودجه در شرایط تورمی است زیرا در فضای ملتهب تورمی هزینه‌های دولت فوراً با تورم افزایش می‌یابد اما درآمدهای دولت با تأخیر نسبت به تورم تعدیل می‌شود. رانت‌جویی، فساد و عدم شفافیت هم در فضای ملتهب به کسر بودجه دولت دامن می‌زند.

نمودار ۳- روند کسری بودجه در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۰- میلیارد ریال

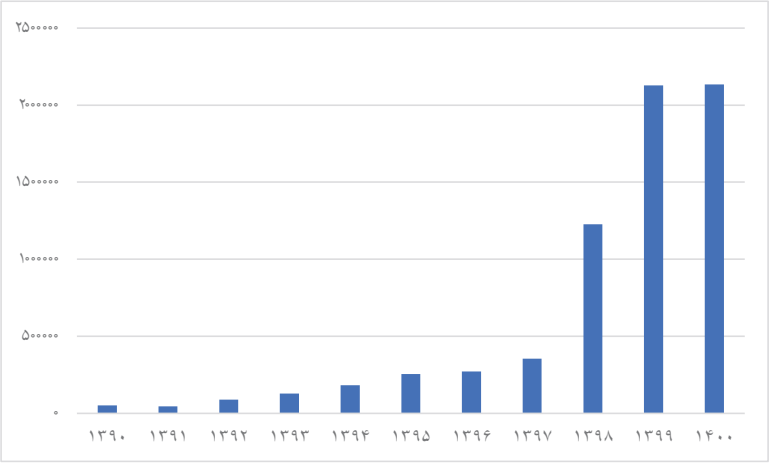

منبع: بانک مرکزی

بنابراین در مورد رابطه علیت میان کسر بودجه دولت و تورم هم رابطه علیت ثابت نیست و بستگی به شرایط پایداری اقتصادی دارد. در شرایط پایدار اقتصادی علیت از کسر بودجه به تورم است البته به نسبتی که کسر بودجه در افزایش نقدینگی سهم دارد تورم را متأثر می‌سازد و در شرایط بی‌ثباتی و بحران علیت از تورم به کسر بودجه است. افزایش شدید کسر بودجه دولت از سال ۱۳۹۷ به بعد به‌خوبی تأثیرگذاری پرش‌های ارزی بر تورم و اثر تورم بر کسر بودجه را تأیید می‌کند و البته در بعضی سال‌ها هم علیت می‌تواند دوسویه باشد.

۱- ۱۸ در مطالعه دیگری، نتایج تجربی مقاله «بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران» از همین نویسندگان در بررسی ارتباط میان پویایی‌های رابطه میان تورم و نقدینگی و تورم و نرخ ارز با استفاده از تحلیل همدوسی موجکی نشان داد: ۱- در تورم‌های بالا نقدینگی تأثیرگذار نیست و علیت معکوس (علیت از سمت تورم به نقدینگی) وجود دارد و این نتیجه مؤید درونزایی نقدینگی در اقتصاد ایران است. ۲- تکانه‌های رشد نرخ ارز (طرف عرضه اقتصاد) بر تورم مؤثر است به‌گونه‌ای که نرخ ارز در هر دو فرکانس کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر معناداری بر تورم داشته است؛ در نتیجه یکی از دلایل مزمن شدن تورم در اقتصاد ایران تأثیرگذاری نرخ ارز بر تورم است (تورم در ایران صرفاً پولی نیست).

۴- روش‌شناسی تحقیق

- روش‌شناسی بررسی همدوسی میان کسری بودجه دولت و بدهی دولت به بانک مرکزی با تورم با استفاده از رویکرد فیزیک اقتصادی[1]

در تقابل با روش‌های سری زمانی، روش موجک و به‌خصوص همدوسی (هم حرکتی) موجکی در چارچوب روش‌شناسی اقتصاد فیزیک (اکونوفیزیک) و استفاده از تبدیل موجک پیوسته می‌تواند افق جدیدی در بررسی علیت این متغیرها داشته باشد؛ چراکه تحلیل موجک به دلیل توانایی آن در ارائه درک بهتر داده‌ها و امکان بررسی تأثیرگذاری به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت، به شکل پویا در فرکانس‌های مختلف برآورد و پیش‌بینی به‌مراتب دقیق‌تری فراهم می‌کند و به ابزاری محبوب در تحلیل سری‌های زمانی تبدیل شده است. البته در برخی موارد تبدیل فوریه به مثابه ابزاری برای تحلیل روابط میان متغیرهای اقتصادی در دامنه فرکانس مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ اما استفاده از این رویکرد برای سری‌های زمانی نامانا مورد استفاده نیست و در نهایت با استفاده از این رویکرد نمی‌توان تغییرات ساختاری را تشخیص داد. بنابراین تحلیل موجک به‌عنوان جایگزینی برای تبدیل فوریه درنظر گرفته می‌شود. تحلیل موجک نه تنها در مورد داده‌های نامانا صادق است بلکه توانایی ارائه اطلاعات به‌طور همزمان در زمان و فرکانس‌های مختلف را نیز دارد. ضمناً با استفاده از معیار همدوسی موجک می‌توان شدت هم حرکتی میان متغیرها در فضای زمان- فرکانس را مشخص نمود و به خودهمبستگی در مقاطع زمانی خاص و هم‌زمان با مقیاس‌های زمانی خاص دست‌یافت. به‌همین دلیل همدوسی موجک را می‌توان به عنوان همبستگی موضعی میان دو تبدیل موجک نیز تعریف نمود:

$$R_t^2(s)=\frac{\left|S\left(S^{-1}W_t^{AB}(s)\right)\right|^2}{S\left|\left(S^{-1}\left|W_t^{A}(s)\right|^2\right|S\left|\left(S^{-1}\left|W_t^{s}(s)\right|^2\right|\right.\right.}$$

در این رابطه S یک عملگر هموارسازی[2] برای موجک است و از رابطه زیر به‌دست می‌آید:

$$s_{time}(w)\big|s=\left(w_n(s)*c_1^{-\frac{c_2}{s^2}}\right),\quad S_{time}(W)\,|\,s=(w_n(s)*c_2\prod(0.6s))$$

که در آن c_1 و c_2 اعداد ثابت نرمال شده هستند و ضریب ۰٫۶ میزان همبستگی تعیین شده تجربی برای موجک است.

اختلاف فازی همدوسی موجکی نیز جزئیاتی پیرامون وقفه نوسان‌های سری زمانی معین ارائه می‌کنند. اختلاف فازی همدوسی به وسیله پیکان‌های جهت‌دار در نمودار همدوسی و براساس رابطه ذیل ارائه می‌شود.

1- Econophisics

2- Smoothing operator

$$\Phi_{xy}(u,s)=\overline{tan}^{-1}\left(\frac{\zeta\left\{S\left(s^{-1}W_{xy}(u,s)\right)\right\}}{\varkappa\left\{S\left(s^{-1}W_{xy}(u,s)\right)\right\}}\right)$$

در این رابطه ζ و $\varkappa$ به ترتیب بخش‌های فرضی و واقعی می‌باشند و Φ_{xy} برابربا $\Phi_x-\Phi_y$ بوده که در دامنه $(-\pi\ \pi)$ قرار دارد:

- اگر $\Phi_{xy}=0$ و $\Phi_{xy}=\pi$: به معنی آن است که سری‌های زمانی در یک فرکانس معین دارای کوواریانس مثبت (حرکت باهم) در یک مقیاس زمانی خاص S می‌باشند.

- اگر $\Phi_{xy}\in\left(0,\frac{\pi}{2}\right)$ و $\Phi_{xy}\in\left(-\frac{\pi}{2},0\right)$: نشانگر آن است که سری‌ها به یک سمت حرکت می‌کنند و x متغیر پیشرو می‌باشد و به‌عبارت‌دیگر در این شرایط متغیر x، علت متغیر y خواهد بود.

- اگر $\Phi_{xy}\in\left(\frac{\pi}{2},\pi\right)$ و $\Phi_{xy}\in\left(-\pi æ-\frac{\pi}{2}\right)$: نشانگر آن است که سری‌ها در خلاف جهت هم حرکت می‌کنند و y متغیر پیشرو می‌باشد و به‌عبارت‌دیگر در این شرایط متغیر y، علت متغیر x خواهد بود. چگونگی تفسیر جهت‌های مختلف پیکان‌ها در نمودار همدوسی سری‌های زمانی در شکل شماره ۲ ارائه شده است.

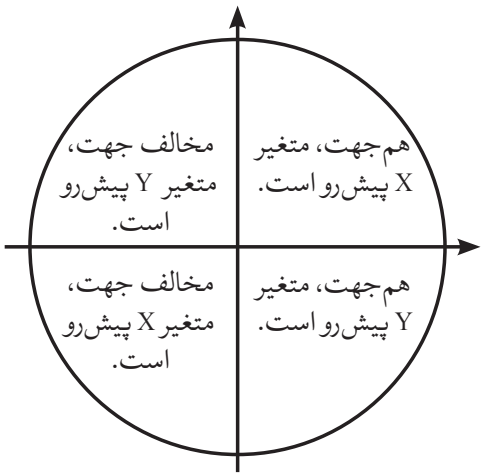

منبع: هابیمانا ۲۰۱۶

شکل ۲: تحلیل اختلافات فازی موجک‌ها

به‌عنوان مثال جهت پیکان به سمت راست و پایین نشانگر حرکت هم‌جهت دو متغیر مدنظر بوده و متغیر دوم به‌عنوان متغیر پیشرو شناخته می‌شود. به عبارتی در این شرایط متغیر دوم قبل از متغیر اول حرکت را آغاز نموده و متغیر اول با وقفه زمانی و به‌صورت هم‌جهت با متغیر دوم تغییراتی را تجربه نموده است. جهت پیکان به سمت چپ نیز بیانگر حرکت مخالف جهت متغیرهای مورد بررسی می‌باشد (هابیمانا،[1] ۲۰۱۶).

1- Habimana.O.

نمودارهـای همدوسـی (به‌عنـوان مثـال در شـکل شـماره ۱) دارای سـه مؤلفـه زمـان (محـور افقـی)، مقیـاس (محـور عمـودی سـمت چـپ) و درجـه همدوسـی (نـوار باریـک کنـار شـکل) می‌باشـند. بـرای توضیـح بیشـتر نوار باریک کنـار نمودار همدوسی موجکی، بیانگر شـدت همدوسی است. طیـف شـدت همدوسـی از محـدوده صفـر تـا یـک متفـاوت اسـت و بـه ترتیـب کمتریـن و بیشـترین شـدت همدوسـی را نشـان می‌دهـد. خطـوط سـیاه کمرنگـی کـه در نمـودار شـکل را به‌صـورت یـک مخـروط نشـان می‌دهـد محدوده قابل تحلیـل را مشـخص نمـوده و در خصـوص مقادیـر خـارج از ایـن مخروط نمی‌توان به‌راحتـی اظهارنظـر کـرد. همچنیـن پیکان‌هـای جهـت‌دار موجـود در شـکل، اختلاف‌فـازی را نشـان می‌دهنـد. ایـن پیکان‌هـای جهـت‌دار، کمـک قابل‌توجهـی در تحلیـل نتایـج خواهنـد داشـت.

۵- یافته‌های پژوهش

بـرای بررسـی هم‌حرکتـی متغیرهـای پژوهـش از داده‌هـای کسـر بودجـه، تـورم، خالـص بدهـی دولـت بـه بانـک مرکـزی و بدهـی دولـت بـه بانـک مرکـزی از داده‌هـای ماهانـه طـی سـال‌های ۱۳۷۰:۱ الـی ۱۴۰۰:۱۲ اسـتفاده شـده اسـت. داده‌هـای مذکـور از سـایت بانـک مرکـزی و مرکـز آمـار ایـران اسـتخراج شـده اسـت. نـرخ تغییـر داده‌هـا طبـق رابطـه زیـر محاسـبه و سـپس همدوسـی آنـان اندازه‌گیـری شـد.

$$\%dx = \frac{x_t - x_{t-1}}{x_{t-1}}$$

- بررسـی همدوسـی موجکـی میـان کسـری بودجـه دولـت و بدهـی دولـت بـه بانـک مرکـزی بـا تـورم در اقتصـاد ایـران:

در تحلیل‌هـای رایـج سیاسـت‌گذاران مقابلـه بـا تـورم در اقتصـاد ایـران ایـن موضـوع مطـرح اسـت کـه یکـی از راه‌هـای مـورد اسـتفاده جلوگیـری از اسـتقراض دولـت از بانـک مرکـزی اسـت. بـر اسـاس ایـن اسـتدلال نقدینگـی محصـول چنـد برابـر شـدن پایـه پولـی اسـت کـه ایـن پایـه پولـی توسـط دولـت بـرای تأمیـن هزینه‌هـای خـود از طریـق اسـتقراض دولـت از بانـک مرکـزی بـه اقتصـاد تزریـق می‌شـود و از ایـن مسـیر رشـد قیمت‌هـا محقـق می‌شـود. به‌همین‌منظـور در مطالعـه حاضـر قصـد داریـم بـه ایـن موضـوع بپردازیـم کـه آیـا واقعـاً کسـری بودجـه عامـل مسـلط تورم‌هـای بـالا و مسـتمر در اقتصـاد ایـران به‌خصـوص در چنـد سـال اخیـر بـوده یـا اینکـه کسـری بودجـه خـود معلـول اسـت؟ و اینکـه آیـا واقعـاً سیاسـت‌های انقباضـی پولـی از طریـق عـدم پولـی کـردن کسـری بودجـه (جلوگیـری از اسـتقراض دولـت از بانـک مرکـزی) واقعـاً توانسـته مانـع از رشـد نقدینگـی و تـورم شـود؟ لـذا در مطالعـه حاضـر تـلاش بـر ایـن اسـت کـه بـا اسـتفاده از آزمـون تحلیـل موجک‌هـا بـه ایـن سـؤالات مهـم کـه نقـش ضـروری را در سیاسـت‌گذاری پولـی و بانکـی اقتصـاد کشـور دارد پاسـخ دهـد.

تورم-خالص بدهی دولت به بانک مرکزی

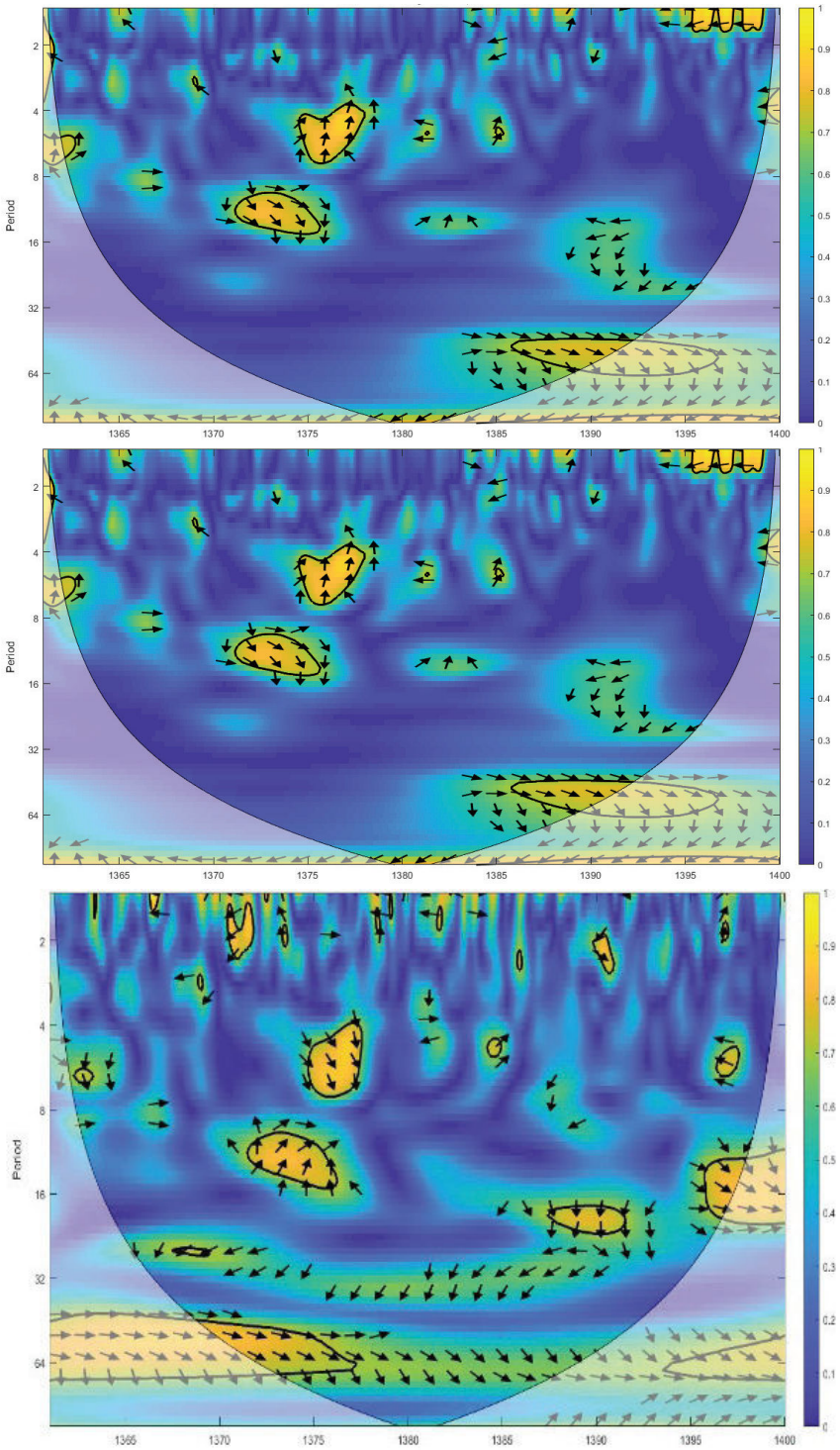

شکل۱- رابطه تورم و خالص بدهی دولت به بانک مرکزی شکل ۲- رابطه تورم و بدهی دولت به بانک مرکزی

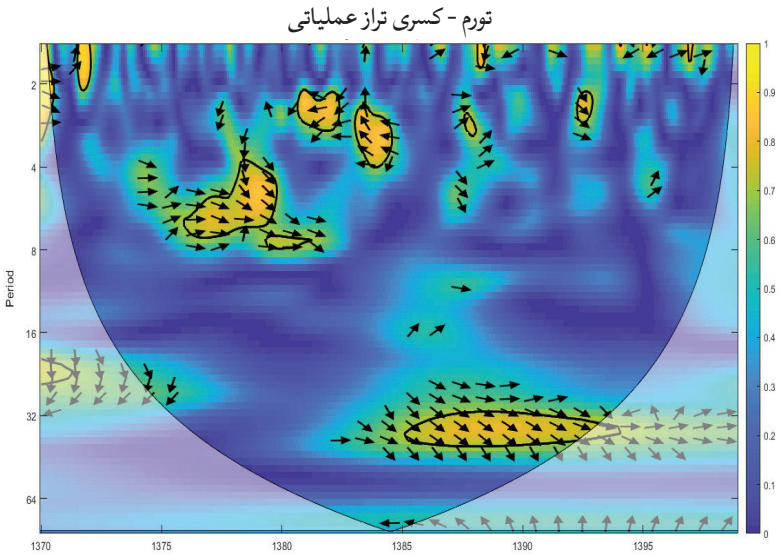

شکل ۳- رابطه تورم و کسری بودجه

نمودار شماره یک همدوسی یا ارتباط بین تورم و خالص بدهی دولت به بانک مرکزی را نشان می‌دهد. مطابق نمودار در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ رابطه مثبت و معنادار بین تورم و خالص بدهی دولت به بانک مرکزی مشاهده می‌شود. و در افق میان‌مدت و بلندمدت همدوسی قوی بین خالص بدهی دولت و تورم وجود دارد، به عبارت دیگر دو متغیر نه‌تنها همبستگی فرکانسی بالایی دارند، بلکه جهت پیکان‌ها (رو به پایین و راست) نشان‌دهنده این موضوع است که تورم علت تغییرات خالص بدهی دولت به بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ و ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. همان‌گونه که در بخش روش تحقیق گفته شد، در مورد فضای خارج از مخروط نمی‌توان اظهارنظر آماری کرد؛ به همین دلیل تحلیل بلندمدت ما متکی به وجود اختلاف‌های فازی در درون مخروط است.

به‌منظور اطمینان از نتایج فوق رابطه میان تورم و بدهی دولت نیز مورد بررسی قرار گرفت. در نمودار همدوسی تورم و بدهی دولت به بانک مرکزی (نمودار شماره ۲) نیز نتایج به نسبت مشابه نمودار قبل وجود دارد؛ همان‌طور که ملاحظه می‌شود در میان مدت و بلندمدت به ترتیب طی سال‌های ۱۳۹۷ الی ۱۳۹۹ و ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ رابطه علیت از تورم به بدهی دولت مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر در این سال‌ها بدهی دولت به بانک مرکزی به‌طور منفعل افزایش یافته است. تنها نکته اینکه در میان مدت طی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۲ جهت پیکان‌ها در بررسی رابطه علی میان تورم و بدهی دولت به بانک مرکزی به صورت مورب نیست؛ یعنی اختلاف فازی صفر بوده و در نتیجه می‌توان به هم حرکتی دو سری زمانی تورم و بدهی دولت به بانک مرکزی و وجود همبستگی مثبت اشاره کرد، اما نمی‌توان در مورد علیت اظهار نظر کرد.

و در آخر شکل شماره ۳ همدوسی بین کسر بودجه دولت و تورم را نشان می‌دهد. مطابق نقاط معنی‌دار، در افق زمانی کوتاه مدت رابطه علیت واحدی ملاحظه نمی‌گردد و رابطه میان تورم و کسر

بودجه دولت با تغییر همراه بوده است. اما در بلندمدت رابطه باثباتی میان دو متغیر وجود دارد. در این افق، افزایش تورم با افزایش کسر بودجه دولت همراه است. به عبارت دیگر، در بلندمدت دو متغیر رابطه علی مستقیم با پیش‌روی تورم طی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۳ را تجربه کرده‌اند.

بنابراین با توجه به شواهد تجربی به‌دست آمده می‌توان گفت پویایی کنونی تورم در اقتصاد ایران طوری است که بسیاری از سیاست‌ها می‌تواند بدون افزایش پول، تورم ایجاد کند. همان‌طور که ملاحظه گردید در سال‌هایی که بی‌ثباتی زیادی در اقتصاد ملاحظه می‌گردد از جمله سال‌های ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۵، ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷ به بعد به ترتیب به‌دلیل دوران بازپرداخت بدهی‌های خارجی، افزایش قیمت‌های حامل‌های انرژی و افزایش نرخ ارز و اثرگذاری آن بر تورم، کسری بودجه و نقدینگی به‌صورت منفعل افزایش یافته است.

از سال ۱۳۷۲ به بعد که بازپرداخت بدهی‌های خارجی آغاز می‌شود، بدهی‌های دولت به‌شدت رو به افزایش می‌گذارد و تا سال ۱۳۷۶ حدوداً به ۶۰ هزار میلیارد ریال می‌رسد. البته دو عامل در ایجاد چنین وضعیتی نقش داشته است، یکی کنار گذاشتن بخشی از درآمدهای نفتی جهت بازپرداخت بدهی‌های خارجی و دیگری مابه‌التفاوت نرخ ارز رسمی ۱۷۵۰ ریالی (نرخ رسمی هنگام بازپرداخت بدهی‌ها) و نرخ ارز رسمی ۷۰ ریالی (هنگام ظهرنویسی تعهدات قرض‌گیرندگان از خارج). نکته با اهمیت اینکه از بابت مابه‌التفاوت مذکور در فاصله سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ حدود ۳۶ هزار میلیارد ریال به پایه پولی اضافه شده که این رقم در درون بدهی‌های دولت درج گردیده است. به جز سال ۱۳۷۴ که اقتصاد تورم بالای ۴۹ درصدی را تجربه نموده در مابقی سال‌های دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ تورم پایین است البته در سال ۱۳۸۷ نیز با سه قفله کردن بانک مرکزی نقدینگی کاهش می‌یابد و تورم افزایش می‌یابد البته نه به میزانی که افزایش تورم در سال ۱۳۷۴ تجربه شد. در آذر سال ۱۳۸۹ سیاست افزایش قیمت حامل‌های انرژی اجرا شد و در سال ۱۳۹۰ هم نرخ ارز شروع به افزایش کرد. اما در سال ۱۳۹۰ با وجود کاهش نرخ رشد نقدینگی نسبت به سال ۱۳۸۹ تورم حدود دو برابر سال ۱۳۸۹ بوده است و این گویای این است که وقتی اقتصاد ما با این کیفیت نقدینگی با شوک درمانی مواجه شود تورم منتظر نمی‌ماند که نقدینگی رشد کند. البته در سال ۱۳۹۱، پول به‌طور منفعل افزایش یافت. بی‌ثباتی‌های ارزی و افزایش هزینه‌های تولید از ناحیه حذف یارانه و پرش نرخ ارز، تورم را در سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به شدت افزایش داد که با کاهش رشد تولید و رکود شدید همراه بود. اما از آنجا که بنابر باور عمومی کارشناسان، تورم صرفاً پدیده پولی است و رشد نقدینگی معلول رشد پایه پولی است؛ در نتیجه، استدلال می‌شد برای مهار تورم و رشد نقدینگی باید رشد پایه پولی از طریق کاهش استقراض دولت از بانک مرکزی کنترل شود. این در حالی است که اگر ماهیت پول در اقتصاد منفعل (درون‌زا) باشد نمی‌توان سیاست‌گذار را مؤاخذه نمود که چرا نقدینگی در اقتصاد افزایش یافته است. نقدینگی به‌صورت منفعل با تورم هم‌سازی (همراهی) می‌کند. بنابراین این رویکرد سیاستی از سال ۱۳۹۲ اجرا شد و تا سال ۱۳۹۶ ادامه یافت که حاکی از تلاش برای کنترل حجم پایه پولی برای مهار

نقدینگی بود. اما علی‌رغم اتخاذ این رویکرد سیاستی شواهد موجود نشان داد که نقدینگی با روندی مشابه گذشته از حیث کمیت به رشد خودش عملاً ادامه می‌دهد ولی بی‌نظمی که در روند وجود دارد نشان‌دهنده منفعل بودن پول است. افزایش شدید کسر بودجه دولت از سال ۱۳۹۷ به بعد نیز به‌خوبی تأثیرگذاری پرش‌های ارزی بر تورم و اثر تورم بر کسر بودجه را تأیید می‌کند. به‌عبارت دیگر، تورم‌های بالا در شرایط بی‌ثبات خود موجب افزایش کسر بودجه دولت و بدهی دولت به بانک مرکزی می‌شود چون دولت به‌خاطر اینکه خود بزرگترین مصرف کننده است، از تورم بیش از سایر عوامل اقتصادی متأثر می‌شود.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با استفاده از رویکرد تبدیل موجک پیوسته به بررسی پویایی‌های رابطه علی میان کسری بودجه دولت و تورم طی سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۴۰۰ پرداخته است. در این راستا ارتباط میان خالص بدهی دولت به بانک مرکزی و تورم نیز مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج به‌دست آمده حاصل از تحلیل همدوسی شواهد موجود نشان می‌دهد در سال‌هایی که بی‌ثباتی زیادی در اقتصاد ملاحظه می‌گردد از جمله سال‌های ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۵، ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷ به بعد کسری بودجه و بدهی دولت به‌صورت منفعل افزایش یافته است. به‌عبارت دیگر، بروز تورم همان‌گونه که تخصیص منابع و توزیع درآمد در جامعه را بر هم می‌زند به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر ساختار مالی دولت نیز تأثیر می‌گذارد. زیرا در فضای ملتهب تورمی به‌خاطر اینکه دولت خود بزرگترین مصرف کننده است هزینه‌های دولت فوراً با تورم افزایش می‌یابد اما درآمدهای دولت با تأخیر نسبت به تورم تعدیل می‌شود. نکته قابل تأمل این است که همگام با اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی به جای اینکه کسری بودجه دولت محدودتر شود روز به روز گسترش یافته است.

کسر بودجه دولت دو محور دارد: یک محور طرف درآمدهای دولت و دیگری طرف هزینه‌های دولت. برای کاهش کسر بودجه به‌عنوان یک عدم تعادل و ناترازی باید در طرف هزینه‌ها برای وظایف حاکمیتی و زیرساختی دولت اولویت‌ها و وظایف ضروری و مؤثر دولت را مشخص و ترسیم کرد و به عبارت دیگر، هزینه‌ها را تصحیح کرد. البته تعیین اولویت‌های مذکور و تصحیح هزینه‌ها باید بر یک برنامه توسعه واقعی مبتنی باشد و به بازآرایی مؤلفه‌های ماتریس اقتصادی اجتماعی کشور براساس ایده‌های توسعه‌ای نیاز دارد. بدون تردید در تحقق این مهم باید به شفافیت، حساب‌پذیری و انضباط مالی دولت توجه خاص شود. تصحیح هزینه‌های دولت باید به تقویت امور حاکمیتی دولت مثل امنیت، آموزش، بهداشت، پاسداری از حقوق مالکیت و تضعیف ولخرجی‌ها، امور غیرضروری و موازی، رانت‌ها و فساد از قلمرو بودجه منجر شود. در طرف درآمدها هم مالیات‌ستانی باید تصحیح شود. مالیات مابه‌ازاء ارائه خدمات دولت برای فعالیت‌های اقتصادی است. به میزانی که خدمات زیرساختی و حاکمیتی دولت به ایجاد ارزش افزوده بنگاه‌های تولید کالا و خدمات کمک می‌کند،

مالیات به آنها تعلق می‌گیرد. مالیات باید غیر اختلال‌زا، عادلانه و منطقی باشد. در شرایط کنونی بخش زیادی از بنگاه‌های کوچک و بزرگ و دارایی‌های حقیقی و مالی کشور در دست مؤسسات و نهادهای شبه‌دولتی است و مالیات به مثابه طلب مردم از آنها در ازای استفاده آنها از خدمات عمومی است و اساساً دین و حق‌الناس قابل بخشش و معاف شدن نیست. اگر مالیات‌ستانی را به همه بنگاه‌های موجود در اقتصاد (بدون استثنا کردن حتی یک بنگاه) تعمیم دهیم و در مورد مالیات بر ثروت هم همین قاعده فراگیری را رعایت کنیم و درآمدهای مالیات بدون اعمال فشارهای غیرقابل توجیه کنونی بر اهالی کسب و کار و مردم کفایت تأمین هزینه‌های اساسی دولت را خواهد کرد. درآمدهای نفتی و سایر منابع طبیعی در اختیار دولت هم باید صرف امور زیرساختی و برنامه‌ای شود. ایجاد بسترهای توسعه صنعتی کشور از طریق درآمدهای مذکور و منافع آیندگان و نسل‌های آتی هم باید لحاظ شود. اما وضعیت کنونی بودجه به هیچ‌وجه با این ملاحظات سازگاری ندارد. بودجه‌های جاری، عمرانی، بازتوزیع (بیمه و بازنشستگی و تأمین اجتماعی) و بودجه شرکت‌های دولتی در هم آمیخته شده‌اند. تداخل بودجه جاری با بودجه‌های بازتوزیع و تورم‌های بالا و مستمر تقریباً وجوه امانی مردم را نابود کرده است، مستمری بازنشستگان کفاف حداقل‌های زندگی آنها را نمی‌کند، بودجه‌های عمرانی به طور کامل تخصیص نمی‌یابد، وضعیت بودجه جاری را هم می‌توان از وضعیت معلمان، کارمندان دولت و سهم پرداختی مردم در هزینه‌های بهداشتی به وضوح دید. اما در حوزه‌های چندباره‌کاری و غیرشفاف پول‌های زیادی از بودجه صرف می‌شود. مجاری فوق بودجه‌ای هم بسیار گسترده است و در اجرای برنامه‌های اصلاحی به جای محدود کردن آن، شدیداً گسترش یافته است.

بنابراین بودجه به اصلاحات اساسی نیاز دارد در شرایط کنونی تا وقتی بحث صرفه‌جویی به میان می‌آید بودجه‌های آموزش و بهداشت، حقوق و دستمزد کارکنان هدف قرار می‌گیرد و بسیاری از ردیف‌ها بودجه‌شان به‌طور نامتناسب افزایش می‌یابد. وقتی پای اصلاح و افزایش مالیات‌ستانی به میان می‌آید حقوق‌بگیران و بنگاه‌های کوچک و خصوصی هدف قرار می‌گیرند اما انحصارات شبه‌دولتی را شامل نمی‌شوند. اگر هزینه‌های دولت به روشی که ذکر کردیم تصحیح و اولویت‌بندی شود و درآمدهای دولت به شیوه‌ای که توضیح دادیم جمع‌آوری و أخذ شود استعدادهای کسر بودجه شدیداً تضعیف می‌شود و اگر در آن صورت کسر بودجه‌ای هم ایجاد شود چه بسا قابل توجیه باشد و هزینه‌های آن هم محدود خواهد بود.

ORCID

Abbas Shakeri http://orcid. org/0000-0002-8153-3639

Elnaz Bagherpour Oskouie http://orcid. org/0000-0003-4123-4236

منابع

۱. جعفری صمیمی, احمد. (۱۳۷۱). بررسی رابطه تورم و کسری بودجه دولت در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی. آینده‌پژوهی مدیریت، شماره ۲ (پیاپی ۱۳)، ۲۳-۳۴.

۲. شاکری، عباس. (۱۳۸۷). تغییرات رشد نقدینگی در اقتصاد ایران (روند و علل)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۳. شاکری، عباس (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران. انتشارات رافع.

۴. شاکری، عباس؛ باقرپور اسکویی، الناز. (۱۴۰۲). بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران: رویکرد همدوسی موجکی. پژوهش‌های اقتصادی ایران (۹۴)۲۸، ۷۹- ۴۷.

۵. عزیزی، فیروزه. (۱۳۸۵). کسری بودجه و تورم در ایران, ۱۳۵۴-۱۳۸۳. دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی (۶)۳، ۱۵۸-۲۲۰.

۶. وش، اسدا... فرزین؛ اصغرپور، حسین؛ محمودزاده، محمود. (۱۳۸۲). بررسی اثرتورم برکسری بودجه از بعد هزینه‌ای و درآمدی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، (۲)۳۸.

7. Aghevli, B. B., & Khan, M. S. (1980). Government deficits and the inflationary process in developing countries. In *Money and Monetary Policy in Less Developed Countries* (pp. 347-370). Pergamon
8. Anušić, Z., & Švaljek, S. (1996). Olivera-Tanzi Effect: Theory and its manifestation in the Croatian stabilization programme. *Croatian Economic Survey*, (3), 73-102
9. Blake, T. (2014). *Exploring the Link between Fiscal Policy and Inflation in Jamaica* (pp. 13-23). Working Paper Bank of Jamaica. BULAWAYO, Maio
10. Bruzda, J. (2017). Real and complex wavelets in asset classification: an application to the US stock market. *Finance Research Letters*, 21, 115-125. https://doi.org/10.1016/j.frl.2017.02.004
11. Cardoso, Elinna. 1998. "Virtual Deficits and the Patinkin Effect", IMF Working Paper.
12. Chaudhary, M. A., Ahmad, N., & Siddiqui, R. (1995). Money Supply, Deficit, and Inflation in Pakistan [with Comments]. *The Pakistan Development Review*, *34*(4), 945-956.
13. Devapriya, T. N., & Ichihashi, M. (2012). How does the budget deficit affect inflation in Sri Lanka. *Economics Journal*, *54*, 879-887.
14. Grinsted, A. J., Moore, C., & Jevrejeva, S. (2004). Application of the cross wavelet transform and wavelet coherence to geophysical time series.582
15. Mir Hosseini, S. W., Bahraminia, E., & Najafizada, H. (2022). Investigating Impact of macroeconomic variables on the government budget deficit in Iran's economy: an approach with VAR-VECM. *International Journal of Resistive Economics*, *10*(2), 13-23
16. Oladipo, S. O., & Akinbobola, T. O. (2011). Budget deficit and inflation in Nigeria: A causal relationship. *Journal of emerging trends in economics and management sciences*, *2*(1), 1-8.
17. Patinkin, D. (1993). Money, Interest, and Prices: An Integration of Monetary and Value Theory. The MIT Press; 2nd edition
18. Rosa, A. S. (2011). Inflation and Budget Deficit: What is the relationship in Portugal?. *Revista EconomiA*.
19. Tanzi, V. (1977). Inflation, Lags in Collection, and the Real Value of Tax Revenue (L'inflation, les retards de recouvrement et la valeur réelle des recettes fiscales)(Inflación, desfases en la recaudación y valor real de los ingresos tributarios). *Staff Papers-International Monetary Fund*, 154-167.
20. Tanzi, V. (1987). Inflation, Lags in Collection and the Real of tax Revenue, Staff Paper, 24. 846-856.